

حقوق بان!

حسن روحانی: اگر کسی حقوق غیر عادلانه گرفته است نباید در قوه قضائیه صف درست کنیم و چوب و شلاق بیاوریم!

صفحه ۲



حسن روحانی در اختتامیه جشنواره شهید رجایی - عکس: محمد بنیادی، ایرنا

فیش‌های نجومی؛ یک خطای ممکن الوقوع یا سنت الیگارشیک؟!

امیر استکی

جامعه داد؛ جامعه‌ای که در برخورد با این شرایط تبعیض ۲ راه را پیش روی خود خواهد داشت؛ یا به علت عدم توانایی خود در تغییر این وضعیت به نوعی انفعال و یأس و سرخورگی مبتلا شود و جهان زیست خود را به سمت فاصله حداکثری از چنین سیستم غیرمشمروعی متمایل کند یا اینکه این قاعده را به عنوان یک وضع طبیعی بپذیرد و به دنبال حداکثری کردن بهره خود از جامعه به هر نحو ممکن باشد. به روشنی هر دوی این امکان‌های پیش روی جامعه، جامعه ما را به سمت یک وضعیت بیمار پیش می‌برد؛ وضعیتی که در عمل ترکیبی از این دو امکان خواهد بود، جامعه‌ای عاصی و بی‌مسئولیت و سوداگر که افراد آن تک‌تک به دنبال بستن بار خود هستند و مفهوم منافع جمعی و ملی در آن شعاری بیش نخواهد بود و هیچکس در این جامعه جز برای خود حاضر به فداکاری نخواهد بود. زندگی در چنین جامعه‌ای داخلی دارد و تنها راه نجات را هم همین می‌داند و لاغیر، مساله‌ای جدی است.

شاید تصور روشنی از زندگی کردن با این درآمدها نداشته باشند و مقایسه‌شان در این زمینه به قیاس سطح درآمد خودشان با رقم‌های نجومی بر ملا شده منحصر شود، نسبت به عمق فاجعه‌آمیز مساله هوشیار کنند و اینکه به سخنگوی دولت بفرمایند نمی‌شود فردی را که خارج از پارادایم انقلاب اسلامی برای خود فیش چند ده میلیونی رد می‌کند امین سیستم نام نهاد و جزو صندوق ذخایر آن دانست! این اشاره رهبری برای مایی که چنین درآمدهایی داریم شاید حرف ساده‌ای باشد و یک اشاره بدیهی به نظر برسد ولی برای دولتمردان یک تلنگر جدی است. رهبری به روشنی به معنادار بودن این رقم تفاوت ۵۰-۴۰ میلیونی اشاره کرده‌اند؛ رقمی که برای بسیاری از ایرانیان شاه‌کلید حل بیشتر مشکلاتشان از یک سو و پرآورده‌کننده رقم قابل توجهی از آرزوهای‌شان است. آن هم تفاوت حقوق فقط یک ماه و خب چه انسان عاقلی است که تاثیر ویرانگر این مقایسه سخت بر روح، روان و اعتماد مردم را نبیند و نادیده بگیرد؟

جمهوری اسلامی به شکل خاص و هر حکومتی به شکل عام اگر در یک روند طبیعی ارتباط بین خود و سرمایه‌های اجتماعی‌اش قرار نداشته باشد، به قطع محکوم به فساد است و اینکه این ارتباط و درک متقابل و به بیانی دیگر حقوق متقابل ملت و دولت شامل چه مسائلی می‌شود از حوصله این نوشتار خارج است ولی یکی از اساسی‌ترین آنها همین احساس کلی عادلانه بودن شرایط کشور است. این احساس که ما به عنوان شهروندان اطمینان خاطر داشته باشیم که اولاً شرایط عمومی برای همه یکسان است و ثانیاً تفاوت‌ها بر اساس استعدادها و زحمات است. اینکه یک مدیر دولتی شرایطی را برای خود فراهم کند که در فاصله بسیار زیادی از شرایط عموم مردم قرار دارد و با عملکرد خود و خروجی مدیریتش نیز ثابت کند این تفاوت و تفوق از سر استعداد و کارایی بیشتر نیست، مهلک‌ترین سومی است که می‌شود به خورد یک

یادداشت امروز

برای ثابت کردن اهمیت یک مساله به دولتمردان چه باید کرد؟ اینکه یک روزنامه مثلاً همین «وطن امروز» خودمان به کرات بر اهمیت یک مساله تأکید کند و از زوایای مختلف وجوه اهمیت مساله را روشن کند، شاید برای دولتمردان اهمیتی نداشته باشد. شاید براحتی بتوانند اغراض سیاسی را به یک روزنامه نسبت بدهند و در جمع خودشان بگویند این پدرسوخ‌خانه! دنبال ماهی گرفتن از آب گل‌لودند یا اگر سخنگوی قوه قضائیه در چند هفته مکرر بگوید ما گفتمیم و دولت توجهی نکرد باز هم می‌تواند با شایدهای دیگر مساله را رفع و رجوع کند و نهایت همه آنها می‌شود اینکه دولتمردان به گونه‌ای خود را تبرئه و خودشان خودشان را مطمئن کنند که آش به این شوری که اینها می‌گویند هم نیست!

اما وقتی رهبری انقلاب چندین بار بر اهمیت یک مساله تأکید می‌کند و توجه و دقت نظر دولتمردان در آن زمینه را طلب می‌کند، آیا باز هم دولت حق دارد به استدلال‌های «دل خوش کنک» برای خودش بپردازد؟

داستان فیش‌های نجومی یکی از همین موارد است که رهبری انقلاب چندین بار به آن اشاره و از همه مهم‌تر در دیدار اخیرشان با دولتمردان باز هم بر ضرورت برخورد صحیح با آن تأکید کرده‌اند. البته رهبری فقط به بیان مساله به شکل کلی اکتفا نکرده‌اند و سعی کرده‌اند با عینی‌ترین استدلال برای دولتمردان توضیح دهند این مساله چه عواقب جبران‌ناپذیری بر اعتماد مردم دارد و چگونه تیشه بر ریشه تصویر عادلانه بودن شرایط کشور در ذهن مردم می‌زند. اینکه رهبر انقلاب به دولتمردان گفته‌اند مردم رقم‌های نجومی حقوق‌ها را درک می‌کنند و برای‌شان ارقام ملموسی است و به دریافتی‌های یک‌میلیونی و یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی و یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی اشاره کرده‌اند، برای این است که دولتمردانی را که

بگم‌بگم با موسیقی دلنشین فیش‌های نجومی

محمد زعیب‌زاده

رویترز و بی‌بی‌سی می‌شدند، امروز هم در قراردادهای جدید نفتی به تعبیر یکی از نمایندگان مجلس، بسیاری از نمایندگان از مفاد قراردادهای نفتی جدید بی‌خبرند. اگر در برجام ورود به جزئیات محتوایی ممنوع بود و بحث‌کنندگان درباره محتوا و متن با «هنه من غریبم بازی» دلواپس خوانده می‌شدند و سیاهه آمده از ژنو و لوزان حکم وحی منزل و کتاب لاتین را داشت و باید به حضرات اعتماد کامل صورت می‌گرفت، امروز هم در قراردادهای جدید نفتی نه تنها اهالی بهارستان و نخبگان دانشگاهی منتقدان، نامحرم تشخیص داده شده‌اند و حق ورود جدی و علنی ندارند، حتی موارد پانزده‌گانه اصلاحی دفتر مقام رهبری هم محلی از اعراب ندارد، در همین باره محمد دهقان، عضو سابق هیات رئیسه مجلس می‌گوید: با وجود ابلاغیه ۱۵ بندی، وزارت نفت ۱۱ بند را اعمال نکرده بود، زمانی که انتقاد کردیم آقای زنگنه گفت نامه اخیر مقام معظم رهبری دیر به دست ما رسیده است این در حالی است که ۱۵ بند مورد تأکید مقام معظم رهبری کاملاً روشن بود و در نامه دوم، دفتر مقام معظم رهبری اعلام کرده ۱۱ بند ابلاغیه اعمال نشده است.

بگم‌بگم توخالی جناب زنگنه در فقره منتقدان قراردادهای نفتی-که در عین بخور و خورهای نجومی کمال وقاحت است- نشان می‌دهد این دولت در حالی دولت قبل را کفر ابلیس می‌داند که بهترین وارث ویژگی‌های منفی آن دولت است. اگر در ذهن افکار عمومی مهم‌ترین ویژگی دولت یازدهم فیش‌های نجومی و «صفدرگیت» بود به نظر می‌رسد باید کم‌کم منتظر تنه‌نشین شدن این بخش از واقعیت در افکار عمومی باشیم که اتفاقاً این دولت، هم دولت بگم‌بگم است هم دولت بخور بخورا دولت پیشبرد پروژه‌های بزرگ ضداستقلال در متن با موسیقی دلنشین زمینه فیش‌های نجومی.

به نظر می‌رسد دولت یازدهم به‌رغم تمام نارسایی‌ها و سردرگمی‌های تاکتیکی و عملیاتی مدیریتی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در به ثمر رساندن پروژه‌های راهبردی خاص در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی پروتزا و غیرمستقل، تاکتیکی مشخص و ثابت دارد.

هر چند شاید در نگاه اول موضوع «قراردادهای جدید نفتی» به اهمیت موضوع «مذاکرات هسته‌ای» و برجام نباشد اما با نگاهی دقیق‌تر به آثار و پیامدهای طولانی‌مدت و چنده‌های آن بر مهم‌ترین منبع اقتصادی حال حاضر کشور، چندان کم‌اهمیت هم ارزی نمی‌شود و می‌تواند در سطحی پایین‌تر از برجام از اولویت‌های دولت اقتدارگرای بروکراتیک جناب روحانی باشد. حتماً تعیین تکلیف با غرب و دادن چراغ سبز به آنها در مساله هسته‌ای و نفت در دولتی که نگاه توسعه‌محور منهای توانمندی‌های داخلی دارد و تنها راه نجات را هم همین می‌داند و لاغیر، مساله‌ای جدی است.

پروژه به فرجام رساندن این ۲ پروژه هم بسیار به هم شبیه است و ۴ جزء اصلی دارد؛ اول رازآلود و مبهم بودن و محرمانه بودن محتوا یا بخش‌هایی از محتوای مذاکرات و قراردادهای، دوم غیرقابل بحث بودن محتواها و مطلق‌انگاری و صفر و یک دیدن در پذیرش یا عدم پذیرش آنها یا به عبارتی «همه یا هیچ دیدن» محتوای برجام و البته قراردادهای نفتی، سوم معجزه‌آسا خواندن آثار انجام و فلاکت‌بار خواندن آثار عدم انجام در رسانه‌های متعدد از بی‌بی‌سی فارسی گرفته تا روزنامه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب حامی فتنه و سایت‌های دولتی و چهارم ایجاد صداخفه‌کن‌های نرم و سخت برای منتقدان و معترضان.

اگر در برجام پندگاه‌های خبری شرق و غرب زودتر و البته دقیق‌تر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جزئیات مذاکرات باخبر بودند و نمایندگان مجلس برای اطلاع از آنچه در مذاکرات می‌گذرد باید نظاره‌گر

نگاه امروز

به نظر می‌رسد دولت یازدهم به‌رغم تمام نارسایی‌ها و سردرگمی‌های تاکتیکی و عملیاتی مدیریتی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در به ثمر رساندن پروژه‌های راهبردی خاص در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی پروتزا و غیرمستقل، تاکتیکی مشخص و ثابت دارد.

Advertisement for Vatanemrooz featuring a barcode, the text 'تهدید تولید ملی' (Threat to national production), and 'خرید کالای خارجی!' (Buy foreign goods!). It includes a phone number 0107354683291 and social media icons for Telegram and Instagram.

Advertisement for Vatanemrooz website with the URL www.vatanemrooz.ir, social media icons for Telegram and Instagram, and the handle @vatanemrooz.